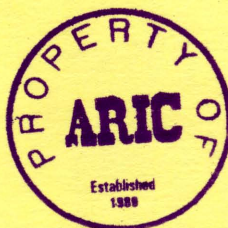
امارت اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه
ریاست تالیف و ترجمه

قرائت دری

برای صنف دوم



مؤلف: عبدالواحد قادری

سال: ۱۳۷۸

قرائت دری

تجدید نظر: توسط کمیسیون مشترک وزارت و مرکز تعلیمی .

بسم الله الرحمن الرحیم

رهنما برای معلم

۱- قبل از این که معلم صاحب داخل صنف میشود باید پلان درسی را باخود داشته باشد.

۲- پلان درسی باید مطابق ساعت درسی ترتیب و تهیه شود. برای معلم ضروری است که دراین مورد دقت نماید.

۳- معلم صاحب باید به وقت معین به صنف داخل شود.

٤- معلم صاحب باید بالباس پاك داخل صنف شود.

٥- برای معلم لازم است تادر وقت داخل شدن به صنف سلام بگوید.

٦- در شروع درس جدید معلم باید بسم الله الرحمٰن الرحیم بگوید.

۷- معلم صاحب باید بادر نظرداشت مقوله "کَلِمُوالناس عَلٰی قدر عقولِهِم" تدریس نماید. یعنی تدریس باید به سویه و لسان شاگردان صورت گیرد.

۸- معلم صاحب برای تدریس خوبتر فضای مساعد را درصنف آماده سازد.

۹- برای اینکه در تدریس موثریت پیداشود برای معلم ضروری است که طرز تدریس خود را یکنواخت نسازد.

۱۰- معلم صاحب همیشه خود را به صفت همکار به صنف و شاگردان نشان دهد.

۱۱- معلم صاحب باید وظیفهٔ خانه گی شاگردان را ملاحظه نموده و

۱۳- معلم صاحب بایدشاگردان خودرا درجریان تدریس ارزیابی نماید.

۱٤- برای معلم صاحب لازم است تا درمیان شاگردان خود روابط حسنه و برادری را قایم نماید .

۱٥- معلم صاحب باید شاگردان خود را بشناسد تا در تدریس مؤثریت به میان آید .

۱٦- معلم صاحب باید شاگردان خود را در تدریس سهیم نماید.

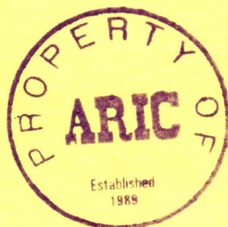
۱۷- معلم صاحب باید در اثنای درس بعد از ختم آن به شاگردان حق سوال کردن را بدهد .

۱۸- معلم صاحب باید به شاگردان وظیفهٔ خانگی بدهد و آنرا ملاحظه و اصلاح نماید .

۱۹- معلم صاحب باید با استفاده از مواد محیطی " سنگ ریزه ها" گل، دانهٔ جواری و غیره عملیات جمع - تفریق- ضرب و تقسیم را عملاً به شاگردان نشان دهد و هم از مواد درسی از قبیل چارتها، نقشه ها، پوسترها و مواد سمعی و بصری کار گیرد .

۲۰- برای معلم محترم لازم است تا به شاگردان در فضای صمیمیت طوری جواب دهد تا در آینده استعداد سوال نمودن شاگردان پژمرده نگردد.

۲۱- معلم صاحب به شاگردان تفهیم نماید که تمرینات این کتاب را به کتابچه های خود نقل و درآن حل نمایند .



پروژه تعلیمی برای افغانستان

طبع: مطبعه اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد

نام حق بر زبان همی رانیم   که بجان و دلش همی خوانیم

ملک و صانع و قدیم و حکیم   خالق و رازق و رئوف و رحیم

هرچه هست از بلندی و پستی   همه زو یافت صورت هستی

داد ما را کتاب تا خوانیم   کرد ما را خطاب تا دانیم

هرچه او گفت آن کنیم همه   طاعتش را بجان کنیم همه

آنچه او گفت غیر از آن کردن   نیست سودی بجز زیان کردن

روز و شب طالب قبول وی ایم   پیرو امت رسول وی ایم

لغات	معنی	لغات	معنی
خالق :	پیدا کننده	حمد :	ثنا و صفت
رازق :	روزی دهنده	رئوف :	بسیار مهربان
زیان :	ضرر و خساره	رحیم :	رحم کننده

الله (ج)

الله جل جلاله، خالق و پیدا کننده ما و تمام دنیا میباشد.
خداوند (ج) ما انسانها را از یک پدر و مادر، حضرت آدم (ع)
و بی بی حوا، پیدا کرده است.
الله (ج)، به ما دست، پا، چشم، زبان و عقل داده است
تا او را عبادت کنیم و با او کسی را شریک نسازیم.
چیزهایی را که امر کرده است بجا آریم و از کارهاییکه ما را
منع کرده پرهیز نمائیم.
ما مسلمانان برای خوشنودی خداوند (ج) عبادت می کنیم.

حضرت محمد (ص)

حضرت محمد (ص) آخرین پیغمبر خدا (ج) و رهبر ما است.

حضرت (ص) در شهر مکه مکرمه به دنیا آمده است.

نام پدر حضرت محمد (ص) عبدالله و نام مادرشان بی بی آمنه بود.

حضرت محمد (ص) به عمر چهل سالگی از طرف خداوند (ج) پیغمبر شد.

و دین اسلام را به تمام جهان رسانید.

به همه مردم راه راست و صداقت را نشان داد.

حضرت محمد (ص) به عمر شصت و سه سالگی در شهر مدینه منوره وفات نمودند.

ما حضرت محمد (ص) را از جان خود زیادتر دوست داریم.

لغت	معنی	لغت	معنی
حضرت	کلمه احترام	رهبر	رهنما
جهان	دنیا	وفات	مُردن

تمرین:

شاگردان سطر اول درس فوق را از روی کتاب بنویسند.

حضرت محمد (ص) در کجا به دنیا آمد؟

حضرت محمد (ص) به عمر چند سالگی پیغمبر شد.

حضرت محمد (ص) در چند سالگی وفات نمود.

قرآن شریف

قرآن شریف کتاب خداوند جل جلاله است.

قرآن کریم از طرف خداوند(ج) به واسطهٔ حضرت جبرئیل(ع) بر حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) نازل شده است.

قرآن کریم دارای سی پاره و یک صد و چارده سوره میباشد.

خداوند(ج) در قرآن شریف به ما امر نموده است که تنها او را عبادت کنیم

ما باید قرآن شریف را خوب یاد بگیریم همیشه تلاوت کنیم معنی آنرا بدانیم و به آن عمل کنیم.

لغت	معنی	لغت	معنی
نازل	پایان فرستاده	پرستش	بنده گی، عبادت
تلاوت	خواندن قرآن کریم	جبرئیل	یکی از ملائیکه بزرک خداوند

جملات نامکمل زیر را در کتابچه های خود نوشته بعداً آنرا تکمیل نمائید:

۱- قرآن شریف کتاب .... است.

۲- قرآن کریم بواسطه .... نازل شده است.

۳- قرآن کریم .... پاره است.

اسلام

دین ما اسلام است.

دین اسلام بهترین و کاملترین دین ها است.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم به مردم فرمودند:

" من همه خوبی های دنیا و آخرت را برای شما آورده ام. خداوند مرا به من امر کرده است که مردم جهان را به دین اسلام دعوت کنم "

ما مسلمان هستیم و از دین اسلام پیروی میکنیم.

لغت	معنی
دعوت	خواستن و طلب کردن
فرمودند	گفتند

جملات ذیل را سه مرتبه بنویسید.

۱- دین ما اسلام است.

۲- دین اسلام بهترین و کاملترین دین ها است.

امام اعظم «رحمة الله علیه»

۱- نام اصلی امام اعظم (رح) نعمان و نام پدرش ثابت است.

۲- امام صاحب به ابوحنیفه مشهور است.

۳- وطن آبائی امام صاحب افغانستان است.

۴- ما پیرو مذهب امام اعظم (رح) هستیم.

امام اعظم (رح) در سال (۸۰) هجری در کوفه بدنیا آمد و (۱۵۰) هجری در شهر بغداد وفات نمود.

امام اعظم (رح) یک شخص مجاهد، پرهیزگار و عالم بزرگ بود. امام صاحب علمای زیاد را تربیه نموده اند.

لغت	معنی	لغت	معنی
امام	پیشوا	اعظم	بزرگ
آبائی	پدری		

جواب این سوالها را بنویسید.

۱- ما در مذهب کی هستیم؟

۲- نام امام صاحب چیست؟

۳- امام صاحب در کدام سال بدنیا آمد.

۴- امام صاحب در کدام سال وفات،

معلم صاحب سنه هجری را به شاگردان توضیح نمائید.

پیام به شاگردان

شاگردان عزیز ! امروز که شما از خوردانید ، فردا از بزرگان مردم خود خواهید بود . میدانید که ما هم مثل شما در این صنف درس می خواندیم ، در پهلوی درسها به تربیهٔ خود هم بسیار کوشش می کردیم . پیش از داخل شدن به صنف پاپوش های خود را پاک می کردیم میز چوکی و فرش صنف خود را پاک نگهمیداشتیم . همصنفان خود را دوست داشتیم و همدگر خود را کمک مینمودیم .



گفته های معلم صاحب را به گوش هوش می شنیدیم . از مکتب که رخصت می شدیم در راه با کس جنگ و جدال نمی کردیم و راسا بخانهٔ خود میرفتیم . به کشت زار ، نهال ها و درخت های مردم ضرر نمی رساندیم . حیوانات را در راه آزار نمیدادیم . در راه به بزرگان سلام میدادیم . وقتی که داخل خانهٔ خود می شدیم به خورد و کلان سلام می گفتیم .

تمرین

از شاگردان پرسیده شود که چطور در صنف داخل میشوند ؟

از شاگردان خواسته شود که به بحث در مورد پاک کردن پاپوش ها ، پاک نگهداشتن صنف ، همکاری با همصنفان ، طرز راه رفتن نظر خود را ارایه نمایند . معلم صاحب گفته های شان را بالای تخته نوشته آنرا نخست بالای شاگردان قرائت نموده و در قدم دوم از شاگردان خواسته شود نوشتهٔ روی تخته را در کتابچه های خود بنویسند .

شاگردان عزیز ! درخانه لباس و کتابهای خود را در جاهای معین می گذاشتیم ، در وقت نان خوردن دست های خود را ، خود ما می شستیم ، در دسترخوان بسیار با ادب می نشستیم ، برای اینکه خنده کنیم و غذا را به خوشی خورده باشیم یکان فکاهی می گفتیم . اعضای خانواده خود را در کارهای خانه کمک میکردیم . نماز را با جماعت ادا کرده قرآن شریف را پیش قاری صاحب می خواندیم . در پاک نگهداشتن مسجد توجه داشتیم به دروس و کارهای مکتب خود بسیار کوشش می کردیم .

صنف های بلند را که به آخر رسانیدیم یک تعداد ما داکتر عده انجنیر ، برخی به مرور زمان وزیر و یکتعداد ما معلم و سر معلم شدیم . پس شما اگر امروز به درس ها و کارهای مکتب خود کوشش کنید ، همین طور یک تعداد شما در آینده داکتر

عده انجنیر، برخی رئیس و وزیر و شاید صدراعظم و رئیس جمهور هم شوید. تعدادی از شما، مثل ما معلم خواهند شد. انسان در هر کاریکه باشد، لازم است یک مسلمان کامل، خدمتگار صادق و یک شخص با معلومات و با مهارت باشد.

تمام کارهای این وطن به شما سپرده میشود پس بر شما لازم است که امروز در تعلیم و آموختن کارهای نیکو بسیار کوشش کنید تا برای مردم و وطن خود یک خدمتگار فعال و صادق شوید.

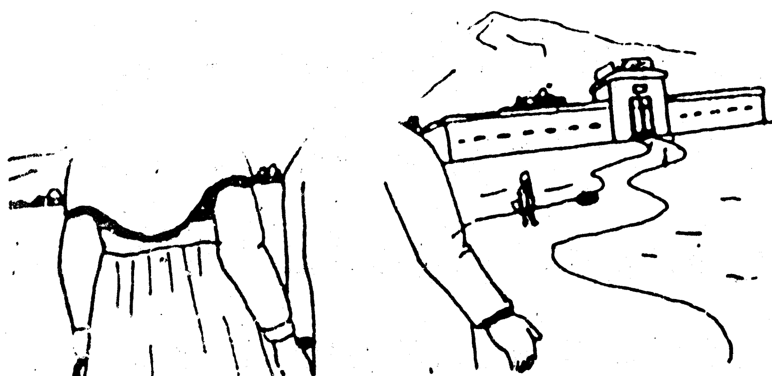
لغات	معنی	لغات	معنی
مرور زمان	گذشت زمان	صادق	راستکار
کامل	پوره		

از این درس چه آموختید، بیان کنید.

- انسان در هر کاریکه باشد لازمست یک مسلمان کامل، خدمتگار صادق و با مهارت باشد.

جملهٔ فوق را سه مرتبه در کتابچه های تان بنویسید.

مکتب



مکتب جای آموختن علم وادب است. ما هر روز به مکتب میرویم وقتیکه ساعت درسی شروع میشود در صنف های خود داخل میشویم همینکه معلم صاحب به صنف آمد خود را با بسیار احترام به رهنمائی هایش آماده ساخته به سخن های او گوش میدهیم.

در مکتب قرآن کریم، دینیات، خواندن، نوشتن، حساب وغیره چیزهای مفید را می آموزیم.

علم

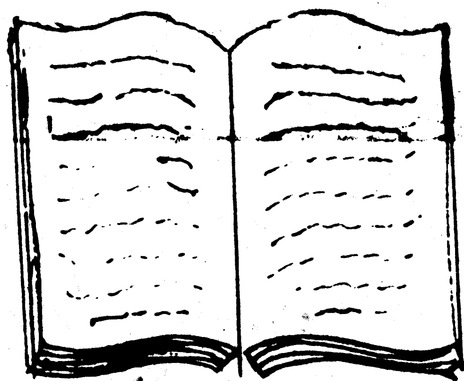
- ترقی و پیشرفت زندگی امروزه را که بچشم می بینیم همه از برکت علم است که خداوند ج به انسان بخشیده است.
- آموختن علم است که انسان را در دنیا و آخرت خوش بخت میسازد.
- کسانیکه علم ندارد خود و خدا ج را شناخته نمی توانند.
- پیغمبر ما حضرت محمد صلی الله علیه وسلم فرموده اند:

طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است.

لغت	معنی	لغت	معنی
آموختن	یاد گرفتن	فرض	از خدا لازم
طلب	خواستن	علم	دانستن
ترقی	پیشرفت		

- شاگردان این جمله را «طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است» را حفظ نموده در کتابچه های خود بنویسید.

کتاب



ما کتاب های خود را بسیار دوست داریم. کتاب های ما راه راست و کامیابی را بما نشان می دهند.

بسیاری درس های کتاب های ما از آیات قرآن شریف و احادیث حضرت محمد صلی الله علیه وسلم گرفته شده اند.

ما باید کتاب های خود را درست نگهداری کنیم.

و درس های آن را خوب یاد بگیریم تا در دنیا و آخرت سربلند و باعزت زندگی نمائیم.

معلم صاحب معنی این کلمات را به شاگردان تفهیم نموده تکرار نماید.

آیات احادیث عزت

شاگردان این سوال ها را جواب گفته یک یک بار بنویسند.

۱ـ کتاب های ما کدام راه را به ما نشان میدهند؟

۲ـ کتاب های خود را چطور نگهداری کنیم؟

کتاب می گوید

من یار مهربانم	دانا و خوش بیانم
گویم سخن فراوان	با آنکه بی زبانم
پندت دهم فراوان	من یار پند دانم
من دوست هنرمندم	با سود و بی زیانم
از من مباش غافل	من یار مهربانم

لغت	معنی	لغت	معنی
فراوان	بسیار	هنرمند	با هنر صاحب هنر
پند	نصیحت	غافل	بی خبر
سود	فایده		
زیان	ضرر		
خوش بیان	خوش نصیحت		

معلم

معلم صاحب شب و روز برای تعلیم و تربیهٔ ما زحمت می کشد. هر روز پیش از شروع درس به صنف می آید. و بعد از ادای سلام و احوال پرسی ما را نصیحت می کند.

معلم صاحب ما با بسیار مهربانی کارهای خانگی ما را دیده به درس جدید شروع می کند. بعد از آن سوال ها ما را به محبت جواب می دهد. به ما کارهای خانگی میدهد.

ما هم معلم صاحب خود را مانند والدین خود دوست داریم و او را احترام میکنیم. همیشه به هدایت نیک شان رفتار می نماییم.

لغت	معنی	لغت	معنی
تعلیم	درس دادن	محبت	دوستی
زحمت	رنج دادن	والدین	پدر و مادر
جدید	نو و تازه	هدایت	راه نمایی

معلم صاحب شاگردان را وظیفه دهد تا راجع به این درس چیزی به زبان خود از یاد بگویند تا در نطق و خطابه تشویق شوند و جرأت پیدا کنند.

پدر و مادر

ما به پدر و مادر خود بسیار احترام داریم.

کسانیکه به پدر و مادر احترام می کنند، خداوند جل جلاله از آنها خوش میشود.

ما شاگردان بگفته های نیک پدر و مادر خود گوش میدهیم.

پدر و مادر، ما را به کارهای خوب رهنمایی نموده و از کارهای خراب منع میکنند.

ما هم تا زنده باشیم خدمت پدر و مادر خود را می کنیم.

لغت	معنی
احترام	عزت و قدر
نیک	خوب

شاگردان کلمات زیر را سه مرتبه بنویسند.

ما احترام پدر و مادر و خدمت آنها را بجا می آوریم

خانواده

پدر، مادر، برادران و خواهران که در یک خانه زندگی میکنند، یک خانواده گفته میشود.

پدر و مادر بزرگان خانواده میباشند و برای اطفال شان خوراک و پوشاک تهیه می کنند و به آنها مهربانی دارند.
اطفال به بزرگان خود احترام میکنند و به گفته های پدر و مادر رفتار میکنند. ما در کارهای خانه باهم کمک می کنیم.
کوشش میکنیم که بزرگان خانواده از ما خوش باشند.

لغت	معنی
بزرگان	کلانها
شفقت	دلسوزی و مهربانی
تهیه	آماده

سوالات:

۱ـ خانواده عبارت از کدام اشخاص میباشد؟

۲ـ ما در خانواده خود باید چه طور رفتار داشته باشیم؟

خانهٔ ما

روزی پدر اشرف هیزم و اشرف ترکاری با خود داشته
هردو از سرزمین های سرسبز به طرف خانه می رفتند، در راه
چشم اشرف به خانهٔ مورچه ها افتید و گفت: پدر جان! خانهٔ
مورچه ها چقدر پاک است؟ پدر گفت: بلی اشرف جان!
مورچه ها نیز مانند ما خانهٔ خود را دوست داشته و همیشه آنرا پاک
نگاه می کنند. چند قدم پیشتر رفتند. اشرف پرندهٔ کوچکی را
دید که با منقار خود پری را گرفته به شاخهٔ درخت نشست. اشرف
گفت: پدر جان! این پرنده چرا پر را در نول خود گرفته
و آنرا چه می کند؟ پدرش گفت: برای خود آشیانه میسازد.
هرکس بخانه ضرورت دارد. وقتیکه بخانهٔ خود رسیدند، پدر گفت!
اشرف جان! در خانه رسیدی چه حس می کنی؟
اشرف گفت: خوشی، پدر! هرکس در خانهٔ خود خوشی

حس می کند . هرکس خانهٔ خود را خوش دارد . ما هم خانهٔ خود را دوست داریم . خانه جای راحت ماست .

بیت

هرکسی بست درزمانهٔ خویش	در پی جمع آب و دانهٔ خویش
دیده باشی پرنده را که چسان	مهرورزد به آشیانهٔ خویش
هرچه پیدا کنند مورچگان	میکشندش به سوی لانهٔ خویش
ما هم ازتهٔ جان و دل کوشیم	پی بهبود وضع خانهٔ خویش
گاه و بیگاه هرکجا باشیم	میسرائیم این ترانهٔ خویش

دوست داریم همچو جان عزیز
ملک زیبای جاودانهٔ خویش

لغات	معنیٰ	لغات	معنیٰ
منقار	نول	بهبود	بهتر شدن

همسایه

مردمیکه در پهلوی خانه های ما زندگی میکنند همسایه گفته میشوند.

بر هر مسلمان لازم است که حقوق همسایه های خود را بشناسد و به آنها نیکی کند، اگر با همسایه های خود رفتار خوب نمائیم، خداوند (ج)، از ما خوش میشود و هم در بین ما محبت و اتفاق پیدا میشود.

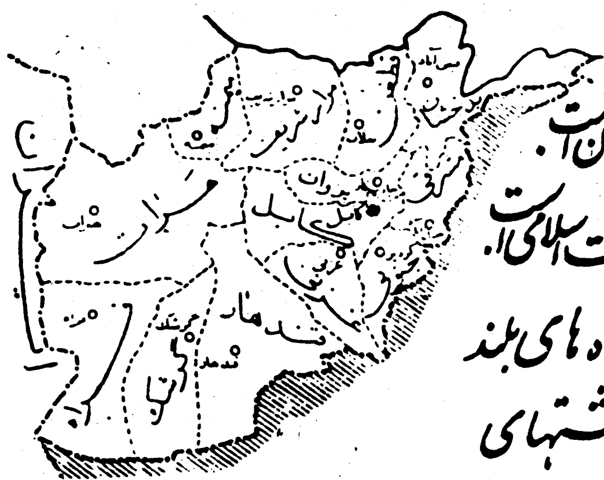
پیغمبر ما حضرت محمد چنین فرموده اند.

کسیکه بخداوند (ج)، و روز آخرت ایمان دارد، به همسایه های خود احسان میکند، و هیچ وقت به آنها ضرر نمی رساند.

لغت	معنی
حقوق	جمع حق
احسان	نیکی کردن
محبت	دوستی

معلم صاحب حقوق همسایه را خوبتر به شاگردان بفهماند و به نیکی و رویه خوب با همسایه آنها را تشویق نماید.

وطن



وطن عزیز ما افغانستان است.

افغانستان یک مملکت اسلامی است.

وطن ما افغانستان کوه های بلند
چشمه های صاف، دشتهای
سرسبز، تپه های قشنگ و معادن فراوان دارد.

ما در آب و هوای وطن عزیز خود تربیه شده ایم، حق آنرا
هیچ وقت فراموش نمی کنیم. تا زنده ایم در وطن عزیز
خود آزاد و زیر بیرق اسلام زندگی میکنیم و در ترقی و
آبادی آن کوشا میباشیم.

آزاد و آباد باد وطن عزیز ما افغانستان

لغات	معنی
معادن	معدن ها کان ها
قشنگ	زیبا
ممالک	جمع مملکت
فراموش	از یاد کشیدن
عزیز	دوست
کوشا	کوشش کننده
باد	باشد.

شاگردان این شعار «آزاد و آباد باد وطن عزیز افغانستان» را رونویس کنند.

فصل بهار



بهار فصل اول سال است.

درین فصل هوا معتدل می باشد.

درختان که در زمستان بی برگ و بی ثمر بودند، به قدرت کامل
خداوند (جل جلاله) شگوفه میکنند و سرسبز میشوند در دشتها و دامنه
های کوه ها گلهای رنگارنگ سر میزنند بلبلان در باغ ها و گلزارها
به آواز خوانی شروع میکنند پرنده ها آشیانه می سازند.
چوپان ها حیوانات را به چراگاه ها می برند. دهقانان به کشت و کار

شروع بنمایند.

کوچه‌ها از یک جا به جای دیگر میروند.

هوای بهار برای درختان، نباتات و صحت انسان و حیوان فایده میرساند.

بر شاگردان لازم است که از نعمت های بزرگ خداوند (ج) استفاده نمایند و هر صبح بعد از ادای نماز و تلاوت قرآن کریم در هوای صاف درس های خود را حفظ کنند.

لغت	معنی	لغت	معنی
ثمر	میوه	استفاده.	فایده گرفتن
معتدل	برابر.	قدرت	توانایی
حفظ	یاد		

معلم صاحب چهار فصل را به قدر فهم شاگردان بیان کند.

آداب غذا خوردن

دین مقدس اسلام آداب زنده گی را به ما یاد میدهد.
برای زنده گی خوبتر ما را رهنمائی میکند. اگر به آنها درست عمل کنیم خوشبخت می شویم. دین ما آداب خوردن و نوشیدن را برای ما اینطور بیان کرده است؛

۱- پیش از خوردن غذا دستهای خود را سه بار با آب پاک بشوییم.
۲- در شروع خوردن غذا بسم الله الرحمن الرحیم بگوییم.
۳- لقمه ها را باید خورد گرفته خوب بجویم تا بهتر و خوبتر هضم شوند.
۴- لقمه یی را که از ظرف غذا میگیریم باید از پیش روی خود بگیریم.
۵- پیش از سیر شدن از خوردن غذا بس کنیم.

۶ - غذا را باید داغ نخوریم که به وجود ما نقص میرساند.

۷ - باید غذا را در وقت خوردن پف نکنیم.

۹ - بعد از خوردن غذا به گفتن الحمدالله شکر خداوند را بجا آوریم.

لغت	معنی
غذا	نان
مقدس	پاک
هضم	حل

معلم صاحب آداب غذا خوردن را برای شاگردان بفهمانید.

لطیفه

یک مریض پیش داکتر رفت و برایش گفت :
شکم من درد میکند.
داکتر پرسید : چی خورده یی ؟ مریض گفت :
نان سوخته خورده ام . داکتر به مریض گفت :
برو اول چشم های خود را تداوی کن .

لغت	معنی
لطیفه	مطلب خنده آور
تداوی	دوا دادن

۱ـ معلم صاحب نتیجه لطیفه را به شاگردان خوبتر واضح سازد .
۲ـ معلم صاحب شاگردان را به یادگرفتن لطیفه های سودمند تشویق کند .

روش یک مسلمان

یک مسلمان نمازهای خود را به جماعت میخواند ، قرآن کریم را تلاوت میکند ، همیشه امر خداوند جل جلاله را اطاعت میکند ، از اخلاق حضرت محمد صلی الله علیه وسلم ، پیروی میکند.

در اتحاد مسلمانان کوشش میکند.

با پیشانی باز و شیرین زبانی صحبت میکند ، هیچکس را آزار نمیدهد ، در امانت خیانت نمیکند.

در هر کار خداوند جل جلاله را حاضر میداند ، همیشه در حفاظت دین اسلام و ترقی وطن خود کوشش میکند.

معنی	لغت	معنی	لغت
پیروی	اطاعت	نگهداری	حفاظت
باهم گپ زدن	صحبت	نا راستی	خیانت
		خواندن قرآن کریم	تلاوت

معلم صاحب جمله زیر را بالای شاگردان مشق و تمرین نماید.

یک مسلمان همیشه در اتحاد مسلمانان کوشش میکند.

کارهای روزمره

سلیم گفت، من یک برادر و یک خواهر دارم. ما همه صبح وقت از خواب بیدار می شویم. بعد از وضو من با پدر و برادر خود به مسجد رفته نماز جماعت را ادا میکنیم. مادر و خواهرم در خانه نماز میخوانند. بعد یکجا قرآنکریم را تلاوت مینماییم. پس از آن برادرم و پدرم به کارهای زمین داری بطرف زمین ها میروند، خواهرم همراه مادرم کارهای خانه را انجام میدهند. من به مکتب میروم. مادرم نان پخته میکند، خواهرم ظرفها را میشوید. من بعد از رخصت شدن مکتب آب می آورم و به آنها کمک میکنم. کسانیکه در یک خانه زندگی میکنند باید بایکدیگر کمک و همکاری نمایند.

لغت	معنی	لغت	معنی
تلاوت	خواندن قرآنکریم	ظرف ها	سامان پخت و پز و نان خوری
همکاری	کمک کردن		

معلم صاحب شاگردان را توصیه نمایند که در کارهای خانه سهم بگیرند.

آزادی

زلمی یک پرنده را در یک قفس زیبا انداخته بود. دانه های خوب و آب صاف برایش میداد. پرنده دایم ناله و زاری میکرد. زلمی به ناله و زاری پرنده خوشحالی می نمود.

یک روز ماما ی زلمی به خانه شان مهمان بود. زلمی قفس را پیش ماما ی خود آورد و به بسیار خوشی گفت: ماما جان ببین! مرغک من چه خوب میخواند. ماما یش گفت:

فرزندم! این خواندن نیست، این نالهٔ جدائی از دوستان است، این پرنده میخواهد که با دیگر پرندگان به باغها برود و آزاد زندگی کند. زلمی بعد از شنیدن گفته ها ی ماما ی خود پرنده را آزاد کرد.

شاگردان جملات زیر را در کتابچه خود نوشته و تکمیل نمایند.

این پرنده میخواهد که با دیگر پرندگان .... و آزاد زندگی کند.

زلمی بعد از شنیدن گفته ها ی ماما ی خود .... را .... کرد.

تربیه حیوانات

پدر اکرم رمهٔ گوسفندان خود را تربیه و از آنها باخبری

مینماید. هر وقت گوسفندان خود را علف و آب میدهد.

رمه را هر روز به چراگاه میبرد.

یک روز اکرم به پدر خود گفت: پدر جان! چرا گوسفندان

ما نسبت به گوسفندان زلمی چاق هستند؟ پدرش گفت:

پسرم! من راجع به تربیهٔ حیوانات در مکتب درس خوانده ام.

تربیه حیوانات و مالداری را خوب میدانم و گوسفندان خود را

خوب تربیه می کنم. زلمی نمیداند که چی قسم تربیه میشود.

از این سبب گوسفندان او لاغر مانده اند.

ما از حیوانات فایدهٔ زیاد میگیریم از پشم آنها قالین ها

گلیم و از پوست آنها بوت، چپلی وغیره می سازیم از شیر

آنها ماست، قروت، روغن، قیماق و پنیر تهیه میکنیم.

لغت	معنی
علف	سبزه
تهیه	آماده

پرسش های ذیل را جواب بنویسید.

۱- از پشم حیوانات چی چیزها ساخته میشود؟

۲- از شیر حیوانات چی چیزها تهیه میشود.

اخلاق نیک

۱ـ اخلاق نیک عبارت از امانت داری، راستکاری احترام به بزرگان، شفقت بر کودکان، کمک به ناداران، وفا به عهد، نرم گوئی وغیره کارهای خوب میباشد.

۲ـ پیغمبر خداوند (جل جلاله) حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم)، دارای اخلاق بسیار عالی بودند. به اخلاق نیک خود همه مردم را دوست خود ساخته بودند

۳ـ اخلاق نیک قدر و عزت انسان را زیاد میسازد.

ای برادر گر خرد داری تمام
نرم و شیرین گوی با مردم کلام

لغت	معنی	لغت	معنی
عالی	بلند	شفقت	مهربانی
عهد	قول دادن	کلام	سخن

شاگردان این جملات ناتکمیل را تکمیل نمایند.

۱ـ پیغمبر خدا (ص)، حضرت محمد (ص)، دارای .... بودند.

۲ـ اخلاق خوب .... میسازد.

شاگردان بیت بالا را دو مرتبه بنویسند.

شاگرد راستکار

نذیر یک شاگرد کارکن و کوششی است . در درسهای خود بسیار کوشش می کند . درسهای خود را به حضور پدر و مادر خود به آواز بلند می خواند و از رهنمایی های معلمان خود در خانه قصه می کند ، فامیلش قصهٔ او را می شنوند و خوش میشوند.

نذیر که حالا به صنف دوم درس می خواند روزی به مادر خود گفت :

مادر جان ! معلم ما دیروز گفت، شما اطفال و شاگردان باید دارای صفات ذیل باشید :

- هرگاه به پنسل ، قلم یا کتابچه ضرورت پیدا می کنید آنرا به والدین خود بگویید تا تهیه نمایند .
- چیزی را که می خرید قیمت اصلی آنرا بگویید .
- بدون اجازه از گرفتن مال دیگران خودداری کنید .

- اگر به اجازهٔ پدر و مادر خود به جایی میروید آدرس مکمل آنجا را به فامیل خود بدهید.
- هرگاه در وقت خرید چیزی، دکاندار سهواً به شما پول اضافی بدهد آنرا بزودی به صاحبش واپس بدهید.
- اگر کسی از شما آزرده شود فوراً از وی معذرت بخواهید.
- مال امانت را بعد از تشکری، سلامت به صاحبش بسپارید.
- اگر در محلی که حادثه رخ داده باشد و شما در آن محل حاضر بوده باشید در صورت ضرورت، حقایق واقعه را بیان کنید.
- در هر کار صادق باشید.

لغت	معنی	لغت	معنی
صفات	صفت ها	معذرت	عذرخواهی
والدین	پدر و مادر	حقایق	واقعیت ها
آدرس	نشانی	حادثه	واقعه

هر شاگرد به نوبت صفات شاگرد راستکار را بیان کند.
از شاگردان خواسته شود که جملهٔ «ما کوشش میکنیم که راستکار باشیم» را پنج مرتبه در کتابچهٔ خود بنویسند.

امانت داری

امانت داری یکی از صفات خوب اسلامی است.

حضرت محمد (صلی الله علیه وسلم) در امانت داری خود مشهور بودند.

همه مردم حضرت محمد (ص) را به نام امین یاد میکنند.

پیغمبر (صلی الله علیه وسلم) فرموده اند: کسانیکه امانت را لخیانت میکنند ایمان کامل ندارند. به شخص امانت دار هر کس اعتماد دارد. او به همه جا قدر و احترام میشود.

هر فرد مسلمان باید امانت دار باشد تا در دنیا و آخرت کامیاب گردد. درود و سلام باد به حضرت محمد (ص) پیغمبر امین و راستکار

لغت	معنی	لغت	معنی
امین	امانت دار	صفات	صفت ها
کامل	پوره	اعتماد	باور کردن

جملات ذیل را مشق و تمرین نمائید.

۱ـ حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در امانت داری مشهور بودند.

۲ـ همه مردم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را بنام امین یاد میکردند.

۳ـ کسانیکه امانت را خیانت می کنند ایمان کامل ندارند.

۴ـ هر مسلمان باید امانت دار باشد.

ساعت یافت شده

یک روز اسد با دوست خود فتاح برای توپ بازی رفته بود. در میدان مکتب توپ بازی کردند. بعد از توپ بازی به طرف خانه های خود روان شدند.

اسد در نزدیک خانه در کنار جوی دید که یک ساعت افتاده است. از یافتن ساعت خوشش شد و آنرا برداشت درین وقت به یادش آمد که مادرش گفته بود "اگر چیزی یافتی باید صاحبش را پیدا کنی و به او بدهی" اسد اینطرف و آنطرف را دید اما کسی نبود، اسد خفه شد که صاحب آنرا نیافت. ساعت را با خود به خانه برده به کاکای خود نشان داد. کاکایش گفت اسد جان! ما هرگاه چیزی را می یابیم باید صاحب آنرا پیدا کرده برایش بسپاریم، حالا بیا برویم.

از خانه بیرون شدند، چند قدم دورتر یک نفر را دیدند

که درکنار جوی چیز را می پالد . اسد و کاکایش نزد او رفتند

کاکای اسد گفت : چه را می پالید ؟

او گفت : چند لحظه پیشتر درهمین جوی وضو کرده جانب مسجد رفتم بعد از ادای نماز به یادم آمد که ساعتم در کنار جوی فراموشم شده . من آنرا می پالم .

کاکای اسد گفت : چند دقیقه پیش اسد جان ازین راه میگذشت که درکنار جوی یک قاب ساعت را دیده آنرا برداشته بخانه آورد و بمن داد تا صاحبش را پیدا کنم ، حالا اگر ساعت از شما باشد نشانی آنرا بگوئید .

صاحب ساعت گفت : رنگ ساعت من سفید و بند آن چرم سیاه است .

کاکای اسد دید که نشانی های او درست است به صاحبش گفت ساعت خود را بگیرید . صاحب ساعت از صداقت

دامانت داری اسد و کاکایش بسیار مسرور شده تشکر کرد.

کاکای اسد از راستکاری اسد خوش شده برایش دعای خیر کرد .

لغات	معنی	لغات	معنی
کنار	پهلو	هنگام	وقت
ادا	بجا آوردن	مسرور	خوشش

از شاگردان پرسان شود که اگر مثل این قصه ، کدام قصهٔ دیگر یاد داشته باشند ، بیان کنند .

از شاگردان پرسیده شود که اگر شما چیزی را یافت کنید آنرا چه می کنید؟

شاگردان تشویق شوند، قصهٔ فوق الذکر را به زبان خود ارائه کنند .

شاگردان این جمله (هرگاه ما چیزی را پیدا کنیم صاحب آنرا پیدا کرده به او تسلیم نمایم) را پنج مرتبه در کتابچهٔ خود بنویسند .

وفا به عهد

- خداوند (ج) جلاله، در قسمت وفا به عهد امر نموده اند: ،، به عهد وفا کنید ،، پس هرکس نظر به امر خداوند (ج)، به عهد خود وفا کند.

- یکروز پدر اسد به اسد گفت: پسرم! امروز من و تو یکجا به شهر میرویم. اسد گفت: پدر جان! من همرای شریف وعده کرده ام تا بدیدن ماماش که مریض است برویم. اگر همرای شما بروم با شریف وعده خلاف می شوم. پدرش گفت: آفرین پسرم، که به عهد خود وفا میکنی.

- حضرت محمد (ص) فرموده اند: یکی از علایم منافقت وعده خلافی می باشد. کسانیکه وعده خلافی میکنند. صاحب ایمان کامل نمیباشند. هیچکس به شخص وعده خلاف کمک نمیکند. و او را دوست ندارد

لغت	معنی	لغت	معنی
منافقت	دورویی	عهد	قول دادن
کامل	پوره		

معلم صاحب درمورد وفا به عهد بزبان ساده به شاگردان معلومات بدهد.

جملات ذیل را تکمیل نمایید.

۱- خداوند ج، در قسمت ...... امر نموده اند.

۲- هیچکس اشخاص وعده خلاف را .... ندارد.

عادت های خوب

اسد صبح وقت از خواب بیدار میشود . وضو کرده نماز میخواند
بعد از ادای نماز و تلاوت قرآن کریم درس های
خود را تکرار میکند بس از آن چای می نوشد و طرف
مکتب روان میشود .

اسد بچه با احتیاط است همیشه در سرک های عمومی
از پیاده رو ها میگذرد . اسد دارای اخلاق
نیک بوده راستگو و راستکار است همه او را دوست
دارند .

لغت	معنی	لغت	معنی
تلاوت	خواندن قرآن کریم	اخلاق	خوی ها
محبت	دوستی		

سوالات :

۱ ـ شما وقتیکه از خواب بیدار می شوید چی می کنید ؟

۲ ـ وقتیکه طرف مکتب روان می شوید از سرک ها چطور میگذرید ؟

مسواک کردن دندانها

دندان یک نعمت بزرگ خداوند است . ما با دندانها
غذا را می جویم و نرم میسازیم . هر قدر که غذا با دندانها خوب جویده
شود به همان اندازه لذت غذا در دهن زیاد شده و هضم آن
درمعده آسان میشود .

وقتیکه غذا را بلع می کنیم پارچه های خورد غذا در دندانهای
ما باقی میماند . اگر این پارچه های غذا با مسواک و یا برس
دور نشود پوسیده شده باعث تعفن دهن میگردد و مکروب ها
در آن جا می گیرند و توسط آب و غذا داخل بدن ما شده ما
را مریض میسازد برخی ازین مکروب ها به خوردن دندان ها
شروع کرده دندانها را سیاه و فرسوده (کرمی) میسازند
بالاخره سبب درد دندان میشوند . برای اینکه دندانهای ما
صحت و سالم باشد باید دندان های خود را در وقت وضو و بعد

از صرف غذا مسواک یا برس کنیم . در مسواک کردن دندان ها فایدهٔ زیاد موجود است . دندانهای ما پاک وصفا معلوم میشوند . دهن ما بوی خوش میدهد ، دندانهای ما درد نمی کند ، چنانچه درین مورد حضرت محمد ص فرموده اند :

« اگر بالای اُمت من سختی نمی آمد امر می کردم که در هر نماز وضو کنند و در هر وضو دندانهای خود را مسواک نمایند . »

لغات	معنی	لغات	معنی
بلع	خوردن	سالم	درست
تعفن	بوی بد	اُمت	پیرو

دندان ها چه وظیفه دارند ؟

فایدهٔ برس و مسواک را بیان کنید . معلم صاحب گفته های شاگردان را بروی تخته نوشته بعداً آنرا توسط شاگردان به آواز بلند قرائت کرده و بعداً از شاگردان میخواهد که نوشته روی تخته را پس از اصلاحات لازم در کتابچه های خویش بنویسند.

راستی

عابد از نسیم یک قلم را به امانت گرفت، نسیم فراموش کرده بود که قلم خود را به عابد داده است. روزی نسیم در صنف گفت؛ قلم من گم شده است. عابد فوراً بلند شده گفت؛ قلمت گم نشده نزد من میباشد.

همه شاگردان به عابد آفرین گفتند و از راستی و راستگویی عابد خوش شدند. عابد هم بسیار خوش شد و با خود عهد کرد که همیشه راست بگوید.

کسیکه راستی می کند خداوند (ج)، ازاو راضی و بنده گانش او را دوست می دارند.

آدم راستکار در هر جا به نام نیک یاد میشود.

لغت	معنی
نیک	خوب

جملات ذیل را در کتابچه های خود یک یک بار بنویسید.

۱ـ کسیکه راستی میکند خداوند جل جلاله و بندگانش او را دوست میدارند.

۲ـ آدم راستکار در هر جا به نام نیک یاد میشود.

آداب سخن گفتن

بر ما لازم است که در سخن گفتن آداب زیر را در نظر داشته باشیم.

۱- همیشه در سخن گفتن از نرمی و ملایمت کار بگیریم.

۲- در سخن گفتن نه آنقدر آواز خود را بلند کنیم که سبب ناآرامی شنونده ها شود و نه آنقدر آهسته سخن بزنیم که شنونده ها نشنوند.

۳- در مجلسی که بزرگان و عالمان سخن میزنند، باید بسیار با ادب. آنرا گوش بگیریم.

۴- اگر خود ما کدام وقت سخن میگوییم، اول خوب فکر کنیم و بعد آنرا بگوییم.

۵- در مجلسی که نفر زیاد باشد، نوبت سخن گفتن را باید مراعات کنیم.

۶- کوشش کنیم که سخنان ما خوب و فایده مند باشد

۷ ـ اگر کسی به سخن گفتن مشغول باشد بگذاریم که سخن او تمام شود بعد ما به نوبت خود سخن بگوییم.

دین اسلام مسلمانان را از سخنان بیهوده منع نموده است باید ما مسلمانان از سخنان بیجا و بی فایده پرهیز نماییم.

لغت	معنی
ملایمت	نرمی
مراعات	در نظر گرفتن

کلمات ذیل را در جملات مناسب استعمال کنید.

اداب   مجلس   منع

رحم بر حیوانات

رحم نمودن بر حیوانات بی ضرر یک امر دینی میباشد. ما باید بر حیوانات ترحم داشته باشیم، حیوانات هم دارای جسم و جان هستند، به خوردن و نوشیدن ضرورت دارند. گرسنگی و تشنگی را حس میکنند. حیواناتی را که تربیه میکنیم باید آنها را به خوبی نگهداری نمائیم.

حیواناتیرا که باری برند، باید از توان شان بیشتر بار نکنیم، و آنها را لت وکوب نه نمائیم. مورچه ها، پرندگان و دیگر حشرات و حیوانات بی ضرر را نیز آزار ندهیم.

لغت	معنی
حس	دریافت کردن
توان	طاقت

معلم صاحب به شاگردان تاکید نماید که بالای حیوانات ظلم نکنند.

برۀ گم شده

یکروز نازو و لطیفه از مکتب به سوی خانه می آمدند، نزدیک خانه چشم آن ها به یک برۀ افتاد. لطیفه گفت: نازو این بره را ببین چطور بع بع می کند فکر می کنم گم شده است.

نازو گفت: بلی من هم فکر می کنم که گم شده است، ببین چطور به طرف هر کس می رود و بع بع می کند اما مردم سرگرم کارهای خود هستند و بع بع آن را نمی شنوند.

لطیفه گفت: بلی به طرف نانوا، سبزی فروش، میوه فروش و دیگر دکاندارها بع بع کرد، ببین حالا به طرف شاگردهای مکتب هم بع بع می کند مگر هیچ کسی به آوازش گوش نمیدهد و هر کس سرگرم کار خود است.

لطیفه و نازو دل سوزی کرده به بره گک نزدیک شدند تا به آن محبت ورزند. مگر بره از نزد شان گریخت.

لطیفه دوباره به بره نزدیک شده گفت : ای بره گک زیبا، تو از کجا آمدی ؟ لطیفه بر پشت بره دست کشید . پس از آن لطیفه و نازو راه خود را پیش گرفتند اما می دیدند که بره از پشت آنها روان است ، نمی دانستند که با بره چه کنند . چند دقیقه بعد لطیفه و نازو بخانه های شان نزدیک شدند ، نازو به خانهٔ خود رفت لطیفه بره را دید که باز هم بع بع می کند .

لطیفه با خود گفت : این بره گک گم شده است ، شاید گرسنه هم باشد . لطیفه بره را با خود به خانه برد . مادر لطیفه بره را دید و پرسان کرد : این بره را از کجا آورده ای ؟ صاحب این بره کی خواهد بود؟

لطیفه گفت : من هم نمیدانم .

مادر لطیفه گفت : بره گک گرسنه است برو برایش کمی رشقه بیار تا سیر شود .

لطیفه رشقه را آورده برای بره انداخت و بعد برایش آب

داد .

درین وقت مادر لطیفه گفت : لطیفه جان ! برو از همسایه

پرس . شاید این بره از کدام همسایه باشد .

لطیفه بخانهٔ همسایه ها رفت و از آنها پرسید : برهٔ شما گم

نشده است ؟

همسایه ها جواب دادند : نی ، برهٔ ما گم نشده است .

لطیفه به خانه آمد و درین فکر بود که صاحب بره را چطور پیدا کند .

درین وقت دروازهٔ حویلی زده شد ، لطیفه رفت تا ببیند

که کیست . وقتیکه دروازه را باز کرد ، یک بچهٔ کوچکی را دید .

لطیفه گفت : برادر جان ، چه می گویی ؟

بچهٔ کوچکی گفت : یک برهٔ ما گم شده ، همسایه تان گفت

که در خانهٔ شما است .

لطیفه گفت : برادر جان همین جا باش ، من یک

دقیقه بعد می آیم .

لطیفه بخانه رفت و به مادر خود گفت : مادر جان ، یک بچهٔ کوچی آمده و می گوید که بره اش گم شده است .

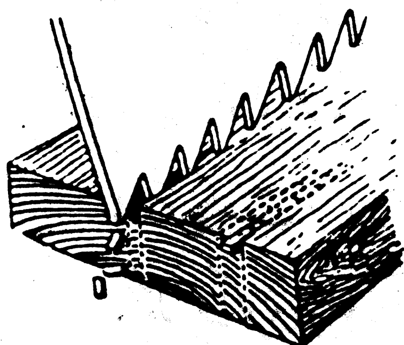
مادرش گفت : برو بچهٔ کوچی را بیاور تا بره را ببیند .

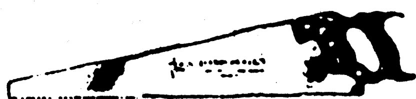
وقتیکه بچهٔ کوچی به خانه آمد ، بره بطرف او دوید و بع بع کرد لطیفه و مادرش دانستند که بره از بچهٔ کوچی است . بچهٔ کوچی از همکاری آنها خوشش شده ، بره را با خود برد .

از شاگردان خواسته شود که قصه را بزبان خود بیان کنند .

از شاگردان پرسیده شود که ازین قصه چه یاد گرفتید .

نجاری





نجاری کسب خوب است.

حضرت نوح علیه السلام با استفاده از کسب نجاری کشتی ساخت و پیروان خود را از خطر غرق شدن در آب نجات داد.

نجار کارهای خود را به واسطهٔ تیشه، اره، رنده، وغیره سامان انجام میدهد و به واسطهٔ این سامان میز، چوکی،

دروازه، تخته شش، خطکش وغیره میسازد.

درمکتب ما حرفه نجاری هم است ما در ساعت نجاری ساختن میز، چوکی، دروازه وغیره رایاد میگیریم.

لغات	معنی
انجام	آخر
حرفه	کسب پیشه

۱- اسباب نجاری کدام چیزها اند؟

۲- نجار کدام چیزها را میسازد؟

۳- نوح علیه السلام با استفاده از کسب نجاری چه ساخت؟

معماری



معماری یک کسب خوب است. حضرت ابراهیم (علیه السلام)، با فرزند خود حضرت اسماعیل (علیه السلام)، به امر خداوند جل جلاله، کعبه شریفه را آباد نمودند. معماران برای ما مسجد، مکتب، مدرسه خانه، دکان وغیره تعمیرات را می سازند.

تمام آبادی را که به اطراف خود می بینیم، از برکت زحمت معماران است. معمار خوب دارای اخلاق نیک بوده در کسب و کار خود صادق میباشد.

از معماران راستکار همه مردم خوشش میباشند.

معماران لایق روز به روز کار خود را بهتر می سازند.

هرکه کارش از برای حق بود

کار او پیوسته با رونق بود

لغت	معنی	لغت	معنی
معماری	گلکاری	حق	نام خداوند (ج)
معمار	گلکار	رونق	زیبایی
صادق	راستکار		

سوالات:

۱ - حضرت ابراهیم (ع)، با پسر خود کدام جای را آباد نمودند؟

۲ - معماران برای مردم چه خدمت میکنند؟

تجارت

تجارت یک کسب خوب و حلال است پیغمبر خدا (ص)

حضرت محمد (ص) هم تجارت کرده اند. تاجران باید در خرید

و فروش خود دروغ نگویند از انصاف کار بگیرند.

اگر تاجران به دروغگویی و قسم خوری در مال خود فایده

نمایند، برای شان حرام است.

اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند (ج) جلاله

در مال شان برکت می اندازد.

لغت	معنی	لغت	معنی
تجارت	سوداگری	تاجران	سوداگران

این جملات را تکمیل نموده هر کدام را یکبار تحریر نمایید.

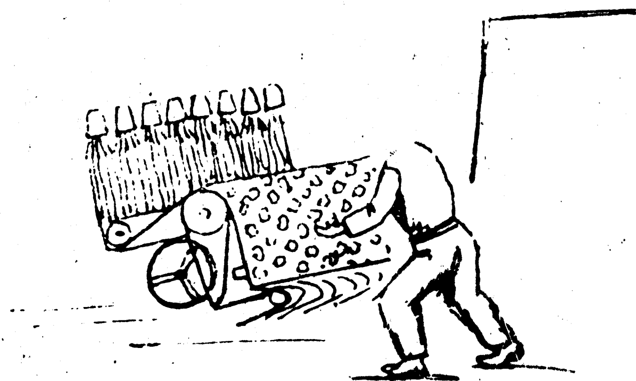
۱ - پیغمبر خدا (ج) جلاله حضرت محمد صلی الله علیه وسلم، هم .... میکردند.

۲ - تجاران در خرید و فروش خود .... نگویند.

۳ - اگر تاجران به دروغگویی و قسم خوری در مال خود فایده نمایند ...... است.

۴ - اگر تاجران در کسب خود راستی کنند خداوند (ج) جلاله در مال شان ... می اندازد.

بافنده گی



بافندگی یک کسب خوب است.
در وطن عزیز ما افغانستان پنبه، ابریشم و پشم پیدا میشود.
بافنده ها از پنبه تکه های نخی و از پشم پارچه های پشمی میسازند. مردم از لباس های پشمی در وقت زمستان استفاده میکنند از تکه های نخی در وقت بهار

کار میکنند.

بافنده ها از ابریشم گلیم، قالین و غیره چیزها میسازند.

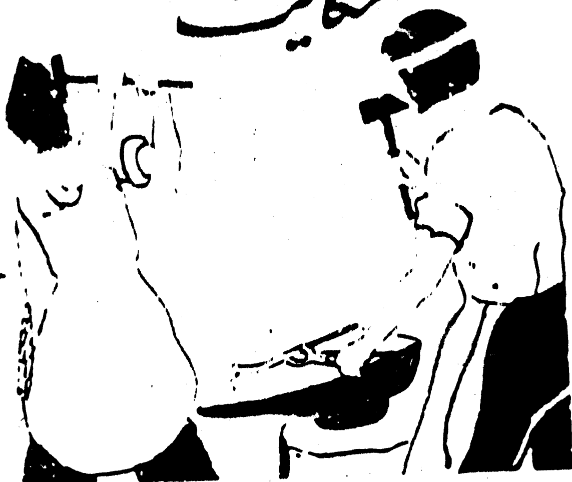
قالین و گلیم سمت شمال و غرب وطن عزیز ما بسیار شهرت دارد.

از ابریشم تکه های نازک و قیمتی مانند لنگی و دستمال ساخته میشود. پنبه در زمین کشت میشود ابریشم از حیوانات بدست میآید ابریشم از کرم پیله بدست می آید.

بافندگی صنعت قدیم افغانستان بوده و در بسیار جاها رواج دارد.

لغت	معنی
توسط	به واسطه
نساجی	بافندگی
صنعت	هنر و پیشه

حکایت



ناصر از بازار آهنگری میگذشت. تابستان بود. آهنگری را دید که در هوای بسیار گرم درکنار کوره آهنگری مشغول کار بوده، عرق از سر و رویش میچکید، ناصر به او گفت: چرا درین هوای گرم کار میکنی و خود را تکلیف میدهی؟ آهنگر گفت: برادرم! اگر من درین حال بمیرم، در حال اطاعت خداوند ج، و عبادت از دنیا میروم.

انسان باید زحمت بکشد تا محتاج نشود و بتواند روزی حلال بدست آورد.

پس این کار و کوشش در حقیقت اطاعت از امر خداوند (ج) است نه مال دوستی و دنیا دوستی.

لغت	معنی
کنار	گوشه
اطاعت	فرمان برداری
آبرومند	صاحب آبرو و عزت

شاگردان خلاصه مطلب عنوان فوق را به زبان خود طور قصه بیان کنند.

بزک چینی

دریکی از روزهای زمستان که برف میبارید. نازدبه اسدو رازق گفت : امروز بیرون نمی رویم که ترمی شویم. فردا که آفتاب شد یک آدمک برفی قشنگ می سازیم. حالا بیایید که برای تان قصه بزک چینی را بگویم.

اسد گفت : بسیار خوب ، امروز بیرون نمی رویم و قصهٔ بزک چینی رامی شنویم.



نازو به گفتن قصه شروع کرد ،

بود نبود یک بزک چینی بود . این بزک چینی سه چوچه داشت

نام چوچه هایش انگک . بنگک وکلوله سنگک بود . هرصبح

که بزک چینی برای چریدن می رفت به چوچه هایش می گفت

چوچه های قشنگم ، من میروم . تا آمدن من دروازه را برای

هیچ کس باز نکنید .

چوچه ها می گفتند بسیار خوب .

هرشام وقتیکه بزک چینی از چراگاه پس می آمد دروازه

را می زد . چوچه هایش می گفتند ، کیست که دروازه رامیزند؟

بزک چینی می گفت : چوچه های قشنگ من انگک

بنگک وکلوله سنگک ، دروازه را برای مادرتان باز کنید .

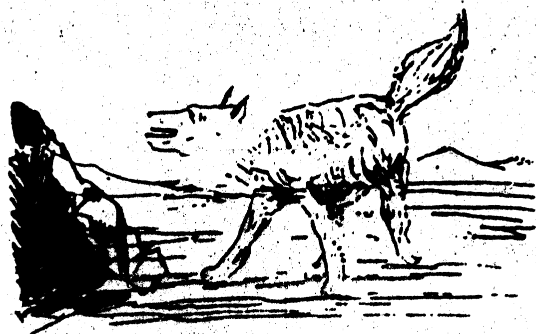
چوچه هایش پس از شنیدن صدای مادر ، باخوشی

بطرف دروازه می دویدند و آنرا باز می کردند .

یک روز صبح ، یک گرگ در نزدیک خانه بزک چینی می گشت ، وقتیکه بزک چینی از خانه بیرون رفت ، گرگ آمد و دروازه را زد .

چوچه های بزک چینی گفتند ، کیست که دروازه را میزند؟

گرگ صدای خود را مثل صدای بزک چینی ساخت و گفت : چوچه های قشنگ من ، انگک ، بنگک و کلوله سنگک

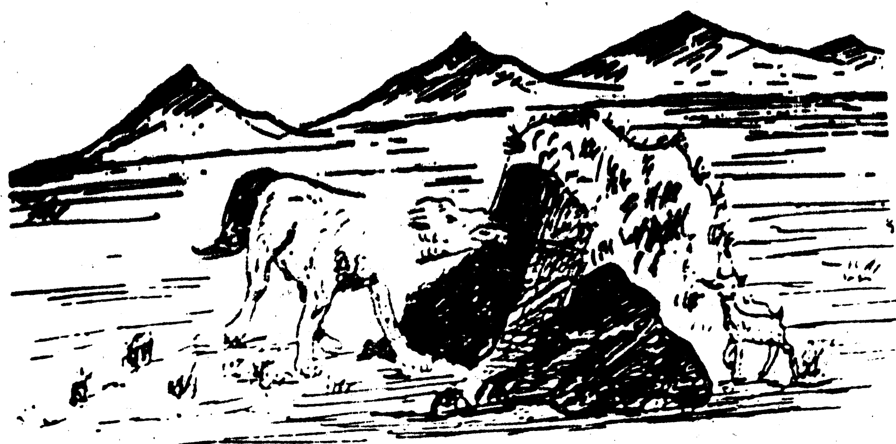


دروازه را برای مادرتان باز کنید.

چوچه های بزک چینی که آواز مادر خود را بی وقت شنیدند، حیران ماندند.

گرگ باز هم صدا کرد. چوچه ها فکر کردند که مادرشان است دروازه را باز کردند.

گرگ به داخل خانه خیز زد. انگک و بنگک را راقرت کرد. کلوله سنگک در پشت یک سنگ پت شد.



دیگر که بزک چینی از چراگاه آمد دروازه را زد، مگر صدای چوچه هایش را نشنید. باز دروازه را زد.

کلوله سنگ که بسیار ترسیده بود و پت شده بود نزدیک دروازه آمد و پرسان کرد، کیست که دروازه را می زند؟

بزک چینی جواب داد، چوچه های قشنگ من انگک بنگک و کلوله سنگک دروازه را برای مادرتان باز کنید.

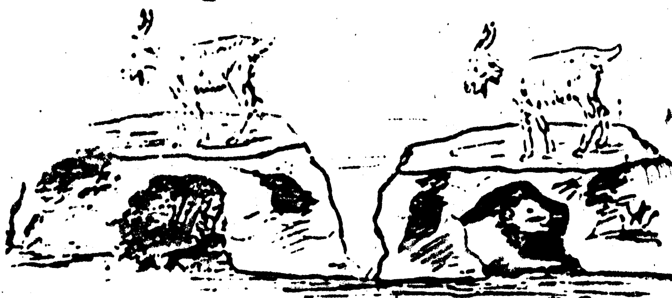


کلوله سنگک با ترس و لرز دروازه را باز کرد. وقتیکه بزک چینی بداخل خانه آمد انگک و بنگک را ندید. از کلوله سنگک پرسان کرد که انگک و بنگک چه شد؟ کلوله سنگک جواباً بعد از رفتن شما، چیزی آمد و آنها را قرت کرد.

بزک چینی بسیار پریشان شد. زود از خانه برآمد مگر حیران بود که چه کند و کجا برود. چند دقیقه بعد با قهر و پریشانی



به طرف خانهٔ روباه رفت و سر بام خانه روباه خیز زد.
روباه از درون خانه صدا کرد:
کیست سر بامک لرزانک من،
خاک می ریزاند در آشک مهمانک من،
آشک مهمانک مرا شور کردی،
چشم مهمانک مرا کور کردی.
بزک چنین جواب داد.



من استم بزک چینی ،

دو شاخ دارم بالای بینی ،

کی خورده انگک من ؟

کی خورده بنگک من ؟

کی می آید به جنگک من ؟

روباه جواب داد .

نخورده ام انگک تو ،

نخورده ام بنگک تو ،

نمیایم به جنگک تو ،

بعد ازآن بزک چینی به خانه های شیر و پلنگ رفت و پرسان کرد . آنها هم جواب دادند که چوچه هایش را نخورده اند .

پس ازآن بزک چینی بطرف خانهٔ گرگ رفت و سر بامش خیز زد .

گرگ از داخل خانه صدا کرد .

کیست سر بامک لرزانک من ؟

خاک می ریزاند در آشک مهمانک من ،

آشک مهمانک مرا شور کردی ،

چشم مهمانک مرا کور کردی .

بزک چینی جواب داد .



من استم بزک چینی ،

دو شاخ دارم بالای بینی ،

کی خورده انگک من ،

کی خورده بنگک من ،

کی میاید به جنگک من ،

گرگ گفت :

من خورده ام انگک تو ،

من خورده ام بشنگ تو ،

من میایم به جنگ تو ،

فردا صبح بزک چینی با یک کوزه شیر پیش آهنگر رفت

وگفت : این شیر را بگیر و شاخ های مرا خوب تیز کن .

آهنگر شیر را گرفت و شاخ هایش را خوب تیز کرد .

پسانتر گرگ یک کوزه از خاک پر کرد و برای آهنگر برد

گفت : این شیر را بگیر و دندان هایم را تیز کن .

آهنگر دید که گرگ کوزه را از خاک پر کرده است و شیر

در آن نیست ، قهر شد . همه دندانهای گرگ را کشید و در جای

دندان هایش پخته ماند .

روز دیگر بزک چینی و گرگ به میدان جنگ رفتند

گرگ صدا کرد " اول تو شروع کن " بزک چینی گفت " نی

تو اول شروع بکن . "

گرگ پس رفت و پیش آمد و بطرف بزک چینی خیز زد
بسیار کوشش کرد که او را بخورد، مگر تکه های پخته از بجای
دندانهایش افتاد و چیزی از دستش نیامد.

پس از آن بزک چینی به طرف گرگ دوید و با شاخهای
تیز خود به شکم گرگ زد. شکم گرگ پاره شد و گرگ بزمین افتاد.
انگک و بنگک از شکم پاره شده گرگ بیرون آمدند. بزک
چینی و چوچه هایش با خوشی بخانه رفتند.

اسد و رازق از شنیدن این قصه بسیار خوش شدند.
فردا که آفتاب شد و هوا خوب بود، هر سه شان یک آدمک
برفی قشنگ ساختند و آن روز را به خوشی تیر کردند.

دُعا

یا الهی به حرمت محمد مصطفی ص سردار انبیا و نور الهدا ما اطفال مسلمان و افغان را با نور علم و معرفت منور گردان تا در پرتو آن در محیط خانواده ، همسایه و همه مردم خود با روحیهٔ اتفاق دوستی و برادری حیات مثمر و پربار و برکت را به پیش بریم . وطن عزیز خود را آباد کرده انواع اسباب راحت و فلاح هموطنان خویش را فراهم سازیم .

آمین یارب العالمین .